

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

غلام محمد نادر

۰۹.۰۴.۰۹

هشدار! خبردار!

که گفته اند :

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

درین روزها بحث بر سر قانون "احوال شخصیه اهل تشیع" مد روز گشته و هرکس به شکلی به طراحان، تصویب کنندگان و امضاء کنندگان آن میتازد. علی رغم اینکه میگویند دو طالب العلم افغان در حوزه علمیه ایران رونویس کننده این طرح هستند؛ ولی با آنهم عده ای شیخ آصف محسنی، به بخشید آیت الله العظمی الحاج شیخ محمد آصف محسنی را به عنوان طراح، زیر نیش انتقاد میگیرند. هکذا به اصطلاح پارلمان افغانستان را ملامت میکنند که گویا با عجله این قانون را تصویب کرده و در اخیر هم کرزی آن را ناخوانده امضاء کرده است. بناءً نویسندگان و ناقدین ما مرجع انتقاد شان را افراد و اشخاص بر میگزینند و به اصل قانون و منشاء و یا منبع قانون کاری ندارند و این برخوردی است نادرست، سطحی و گمراه که خطرش کمتر از این قانون نیست.

عزیزان ما دقت نمیکنند که اولاً آقای محسنی در علوم دینی متخصص است که به مقام آیت الله العظمی یعنی بلندترین مقام دینی که دیگر مرجعیت می یابد و حق اجتهاد دارد دست یافته است. او از نوجوانی تا حال که چیزی کم حدود یک قرن عمر دارد هم و غمش مصروف مطالعه و آموزش مسایل دینی بوده و به وجه احسن امور دین را آموخته است. او بیگمان از من و از همه کسانی که در همین مورد قانون "احوال شخصیه اهل تشیع" قلم فرسایی میکنند به رمز و رموز دینی وارد تر و واقعاً عالم تر است. او هرچه میگوید به استناد دین میگوید و آیات، احادیث، روایات و مدارک بیشمار از قرآن تا سایر متون دین در اثبات ادعایش دارد، که بعضاً احکام مسلم و غیر قابل انکار دین است. با این حال او را مخاطب قرار دادن که گویا آنچه میگوید به دین برابر نیست یا پایه محکم دینی ندارد، امری است به خطا و تاحدی ناشی از نادانی خود گوینده.

مثلاً در همین قانون "احوال شخصیه اهل تشیع" هرچه گفته شده پایه های محکم دینی دارد و معترضین بر محسنی به قرآن، احادیث، روایات و رسالات مجتهدین دیگر مراجعه کنند همه را به تأکید مؤکد درخواهند یافت. هنوز این قانون برخی مسایل را اختصار کرده است، از جمله استفاده جنسی مرد در وقت حیض از ... زن و مسایلی ازین قبیل که همه در رساله آیت الله العظمی امام خمینی و سایر مراجع اهل تشیع به وضاحت آمده است.

در با اصطلاح پارلمان هم عمدتاً بزرگان دینی و جنگی تکاثف کرده اند و شخصیت های دینی معتبری چون پروفیسور ربانی "جنایتکار"، پروفیسور سیاف "قاتل"، استاد اکبری "جلاد"، استاد محقق "خون آشام"، استاد بلخی "جنایت پیشه" و... علمای دینی پخته و واردی نشسته و این قانون را تصویب کرده اند و در واقع بر احکام دینی صحه گذاشته اند. "کرزی صاحب!!" هم ضمن داشتن ده ها مشاور دینی، شورای علمای افغانستان را در دسترس دارد و به مشوره آنها یک قانون شرعی و کاملاً مطابق با نص و حواشی دین اسلام را به عنوان رئیس جمهور "جمهوری اسلامی افغانستان" توشیح کرده است.

به نظر من مجموع این افراد و سیستم جمهوری اسلامی یکی از وظایف اسلامی شان را با مشوره مشاورین خارجی به وجه احسن انجام داده اند. و هیچ ایراد اسلامی نمیتوان بر آن گرفت. مگر همین احکام را طالبان و تنظیم های اسلامی سنی پیاده نکردند؟ مگر در سوات پاکستان هم اکنون این قانون رایج نیست؟ و ما تطبیق قانون "شخصیه اهل تسنن" را به دست امیرالمومنین ملا عمر، علماء و طلبه های کرام دینی که - اسلام ناب محمدی را پیاده میکردند- ندیدیم؟ این ها احکام ناب اسلامی است و شیعه و سنی ندارد. پیغمبر و امامان و کلیه پیشوایان اسلام هم آنرا در عمل پیاده کردند.

و اما اینکه چنین احکامی توهین به مقام زن است، زن را برده مرد میسازد، زن را تا حد یک جنس و شی پائین میآورد و خلاف تمام نورمهای متمدن جهانی است، خلاف اعلامیه حقوق بشر است و... اینها درست است، ولی حقوق بشر و تساوی مرد و زن و امثال اینها اسلامی نیستند.

آری میتوان گفت قانون "احوال شخصیه اهل تشیع" غیر انسانی هست! ولی نمیتوان گفت اسلامی نیست. قانون "احوال شخصیه اهل تسنن" نیز عین همین است. ما تطبیق کامل و صد درصد اسلامی آنرا به دست امیرالمومنین ملا محمد عمر آخوند و علمای جید دینی همراهش دیدیم. این قوانین شیعه و سنی ندارد، این محتوای دین اسلام است که ۱۴۰۰ سال قبل در جزیره العرب وحشی مطرح شده و در آن زمان و در آن مکان بر مردم تطبیق شده است. **حال که سطح فهم من و تو هنوز همان دین را رهنمای تمام زندگیش میداند، پس باید از طرح قوانین ماقبل قرون وسطائی و ضد انسانیش هم خجالت نکشیم و هیا هو راه نیندازیم. و بد تر از آن، با دستاویز قراردادن آن وسیله افتراق بین شیعه و سنی نشویم.** اگر اعتراض داریم، یعنی اگر عقل مان به آن پایه از تکامل رسیده است که چنین قوانین و احکام ضد انسانی و خجالت آوری را نمی پذیرد، پس به ندای وجدان علمی و انسانی خود پاسخ بدهیم و **بگوئیم اسلام و کلا دین دیگر پاسخگوی نیازمندی های بشر امروزی نیست و نباید در امور زندگی مردم مداخله کند،** نه اینکه تنها مجریان اصول دین را که - خیلی درست هم آنرا اجرا میکنند - به جای اصول دین زیر انتقاد و ملامت بگیریم. باید به دقت بین خطای اصول و اشتباه تطبیقات یا اشتباه مجری فرق قایل شد. نقص اصول نباید با اشتباه در تطبیق یکی گرفته شود، آنچنانکه اشتباه در تطبیقات را نباید نقص اصول دانست. در قانون "احوال شخصیه اهل تشیع" و همچنان اهل تسنن، نقص در رونویس کنندگان نیست، آنها اشخاص ذیصلاح و خبره دین هستند که احکام دین را موبه مو نقل کرده اند. نقص در اصول است. یعنی در اصول اسلامی چنین احکام نادرستی نهفته است. بناءً اگر بحثی درین مورد صورت میگیرد، باید روی منبع این احکام که دین است صورت بگیرد. مجری فقط در تطبیق نادرست اصول است که زیر انتقاد باید برود.

جالب اینجاست که چنین برخوردی یعنی عمل مجری را انتقاد کردن ولی اصول حاکم را به بحث نگرفتن فقط در مورد اسلام عزیز بر ما تحمیل شده، درحالیکه در مورد اندیشه ها و تفکرات دیگر هر عمل زشت را، حتی از نادان

ترین افراد منسوب به یک اندیشه، نه عمل زشت آن فرد، نه اشتباه در تطبیقات، بلکه زشتی اصول آن اندیشه جا میزنیم و به شدت برخوب وبد آن اندیشه میتازیم. واین همان برخورد نابخردانه یک بام و دوهوا است.

همه ما میدانیم که از خلقی- پرچمی ها ۸۵ تا ۹۰ در صد آنها حتی یک اثر مارکس را نخوانده بودند و هیچ فهمی از اصول مارکسیسم نداشتند. به حساب تصرف قدرت هرچه اربابان خارجی و رهبران مزدورشان گفتند ویا فکر نادان و عقده ای شان خواست، کردند و جنایات نابخشودنی را مرتکب شدند. چنین عملکردی نه تنها هیچ ارتباطی به مارکسیسم و کمونیسم نداشته بلکه صد درصد در تقابل کمونیسم بوده است. ولی چه ظالمانه این عملکرد افراد بی سروپا و خودفروخته را، با آن که میدانستیم الفبای کمونیسم را نمیفهمند، به کمونیسم نسبت دادیم و هنوز هم میدهیم . اما شیخ آصف، ملا عمر، سیاف و ربانی و امثال شانرا که از طفولیت در مدارس دینی زجر دیده و درس خوانده اند و تربیت شده اند و خیلی هم در مسایل دینی وارد اند و تخصص دارند، حال با تطبیق کامل و درست دین توسط این متخصصین آگاه دین، نقصی را که از تطبیق درست اصول دین به جامعه تحمیل میشود آنرا به نحو نادرستی به اشخاص مجری برمیگردانیم؟ و بازگستاخانه مجریان خبره و عالمان تمام و کمال دین را که مجریان درست اصول دین هستند نادان میخوانیم و با خود فریبی و مردم فریبی دین را برائت میدهیم. در اثبات آنهم چرند یک ناظم متعصب را گواه گرفته میگوئیم

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ماست

ولی در مورد اندیشه های دیگر به مجرد سر زدن خطائی، حتی از یک مجری نادان، آن خطا را دلیل بر بطلان آن اندیشه میگیریم و هربد و ردی را به آن نسبت میدهیم. چنین برخوردی نه تنها نادرست و خلاف موازین علمی است بلکه خیلی ظالمانه، ضد دموکراتیک و ضد انسانی هم است. جنایت و یا خطای خلقی- پرچمی خود فروخته و یا احمق و نادان را به پای کمونیسم گذاشتن ولی زیانهای جبران ناپذیر پیاده کردن درست احکام ضد انسانی دین را به اشخاص نسبت دادن دور از انصاف است. واقعیت اینست که

اسلام به ذات خود سراسر عیب است نه اینکه هر عیب در مسلمانی ماست